مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۰-۲۸ شعبان ۱۴۴۲-۱۱ آوریل ۲۰۲۱-سال بیستم-شماره ۵۴۰۶-۱۲ صفحه-۵۰۰۰تومان

حسن روحانی:
دنیا و آژانس انرژی اتمی به ایران بدهکارند

صفحه۲

اصغر فرهادی:
از قلب و ناخودآگاهم فیلم می‌سازم

صفحه۹

ارزیابی منابع غربی از ورود دو میلیون بشکه نفت ایران به بازارهای جهانی

شمارش معکوس برای بازگشت ایران به بازار نفت

صفحه۱۰

ادامه گرانی‌ها در آستانه ماه رمضان

تداوم نابسامانی در بازار کالاهای اساسی

صفحه ۵

«مردم‌سالاری آنلاین» بررسی می‌کند

چرا کلاب‌هاوس تا این حد حساسیت‌برانگیز شده است؟

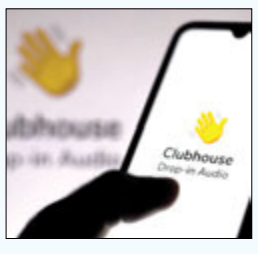

هر روز یک یا چند شخصیت سیاسی با حضور در کلاب‌هاوس خود را در معرض پرسش‌های کارشناسان و اهالی رسانه قرار می‌دهند و چند ساعت بعد اظهاراتشان تیتر یک سایت‌ها و روزنامه‌ها است. این خلاصه وضعیتی است که در دو هفته گذشته با بالا گرفتن موج کلاب‌هاوس در ایران شاهد بودیم. به گزارش «مردم سالاری آنلاین»، ماجرا تا آنجا کشیده شده که کمیته مطالعاتی جمهوری‌خواهان در نامه‌ای به «پال دیویسون»، مدیرعامل کلاب‌هاوس، از اینکه این شبکه اجتماعی به محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران این امکان را داد که هفته گذشته در این شبکه اجتماعی، مواضع حکومت ایران را «تبلیغ» کند، ابراز نگرانی کرده و از کلاب‌هاوس خواست در این زمینه پاسخگو باشد. از طرفی بسیاری از فعالان سیاسی درباره این اپ اظهار نگرانی کرده‌اند که ممکن است...

صفحه۲

سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام کرد

موج سنگین کرونا در اغلب استان‌های کشور

صفحه۴

حزب لیکود خبر داد

کناره‌گیری موقت «نتانیاهو» از نخست وزیری

یک منبع نزدیک به رهبری حزب لیکود اعلام کرد، بنیامین نتانیاهو با کنار گذاشتن نخست‌وزیری به مدت یک سال به نفع رئیس حزب «یمینا» موافقت کرده است اما با این شرط که دولت ائتلافی میان راست‌گراها و چپگراها تشکیل نشود و حزب وی قدرت را از دست ندهد. به گزارش ایسنا، به نقل از روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق الاوسط، پیشنهادی که در این باره مطرح شده است این است که ائتلافی شامل حزب لیکود به ریاست بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و...

صفحه۱۱

سرمقاله

شبکه‌های اجتماعی و شکل‌گیری افکار عمومی در انتخابات ۱۴۰۰

علی غیاثیان*

مهمترین شبکه اجتماعی که بر انتخابات آینده ایران اثر می‌گذارد چیست؟ آیا باز هم شبکه اجتماعی تلگرام که در انتخابات خردادماه سال ۱۳۹۶ و رویدادهای آبان آن سال، ترکتازی می‌کرد، تکرار می‌شود یا رقبای تازه نفس دیگری از جمله کلاب‌هاوس به باشگاه اثرگذاری روی افکار عمومی وارد شده‌اند؟

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ از مهمترین انتخابات در سال‌های اخیر است. دلایل پرشماری برای این اهمیت می‌توان برشمرد که عمده‌ترین آن را تغییر فضای گفتمانی سیاسی دولت در پایان مقطع ۸ ساله ریاست جمهوری حسن روحانی، افزایش بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله پیامدهای رویدادهای سیاسی انتخابات ۸۸، بحران اعتراضی دی ماه ۹۶، بحران اقتصادی-امنیتی آبان ۹۸، شرایط رکود اقتصادی حاصل از کرونا و تحریم‌ها و همچنین لزوم تغییر در ارتباطات بین‌المللی ایران تشکیل می‌دهد.

در این میان، فرآیند نحوه انتخاب شهروندان از بین گزینه‌هایی که گفته می‌شود شانس عبور از فیلتر شورای نگهبان را دارند، تغییر محسوسی کرده است.

اگر در سال ۱۳۸۸، مناظره‌های تلویزیونی، روزنامه‌های کاغذی و فیس‌بوک بیشترین اثرگذاری کمپین‌های انتخاباتی را در بین رای‌دهندگان داشت و در سال ۱۳۹۲ پیامک، صدا و سیما، سایت‌های خبری و شبکه اجتماعی تلگرام این برد را داشتند، در خرداد ۱۳۹۶ اپلیکیشن تلگرام به صدر اثرگذاری روی شارش آرای رای دهندگان رسید و چندی پس از آن، هزینه این اثرگذاری به قیمت فیلترینگ آن پس از رویدادهای دی ۹۶ تمام شد و پس از این اپلیکیشن، اپلیکیشن‌های دیگری همچون اینستاگرام و واتس آپ توانستند روی شکل گیری افکار عمومی اثر گذاشته و در ردیف‌های بعدی سایت‌های خبری و تلویزیون به عنوان رسانه‌های بعدی در سازمان آرای نامزدهای مختلف به کار گرفته شوند.

ولی در سال ۱۴۰۰ فیلترینگ شدید تلگرام، باعث نمی‌شود اثرگذاری اپلیکیشن‌های شبکه‌های اجتماعی در انتخابات کمتر از گذشته شود. اپ‌هایی مانند اینستاگرام، واتس آپ و توییتر توانسته‌اند تا حد بسیاری، مخاطبان تلگرامی را با خود همراه سازند. آمار استقبال ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی نشاندهنده حضور گسترده مردم در اینستاگرام، تلگرام و واتس آپ است و در این بین، جامعه نخبه‌گانی کشور به سمت دو اپلیکیشن شبکه ساز دیگر استقبال زیادی نشان داده است: توییتر و کلاب‌هاوس. هر چند در این بین برخی شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل از جمله اسپیس و تنت هم سعی دارند جای خود را پیدا کنند ولی بعید است تا انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، شبکه‌های پیش گفته و اپ‌های مبتنی بر نرم افزارهای وطنی از جمله گپ، سروش، بیسفون، بله و نظایر آن بتوانند مخاطبان جدی و اثرگذار در عرصه تبلیغات سیاسی برای خود دست و پا کنند.

چرا شبکه‌های اجتماعی مهم هستند؟

از جمله حوزه‌هایی که بحث بر سر تاثیرگذاری یا عدم تاثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به صورت قابل ملاحظه‌ای جریان داشته و با گذر ایام، همراه با رشد سریع و دور از انتظار این شبکه‌ها و کاربرانشان با شدت و حدت بیشتری در جریان است، تاثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی روی مشارکت سیاسی کاربران است. به واسطه محبوبیت روزافزون و رشد کمی و کیفی این شبکه‌ها به نظر می‌رسد دیگر نمی‌توان چشم‌ها را بر روی تاثیرات اجتماعی و سیاسی آنها فرو بست. تاثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر مشارکت سیاسی کاربرانشان در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران موضوعی اثبات شده است.

از سوی دیگر با همه‌گیر شدن گوشی‌های هوشمند و گسترش شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل، عملا رسانه‌های سنتی مانند تلویزیون، روزنامه‌های چاپی و حتی سخنرانی و نطق در مجامع مرجعیت سیاسی سابق را نخواهد داشت. از سال ۱۳۸۸ و اثربخشی ناگهانی فیس بوک در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ مشخص بود شبکه‌های اجتماعی به تدریج نقش تولیدی قویتری ایفا خواهند کرد که جایگزین تلویزیون خواهد شد و تولیدات بسیاری در شبکه‌های اجتماعی رقم می‌خورد که می‌تواند جایگزین تولیدات تلویزیون شود.

در حال حاضر به تدریج در شبکه‌های اجتماعی گروه‌ها و افراد مرجعی شکل گرفته‌اند که کارکرد رسانه‌های سنتی تلویزیون در بعد اعتبار منبع را دارند، مثلا اگر به صفحه توییتر یا اینستاگرام برخی چهره‌های سیاسی و تحلیلگران نگاه کنید می‌بینید که یک اظهارنظر آنها با مشارکت چند ده هزار نفری مخاطبان مواجه می‌شود که لزوما در رد یا تایید نظرات این چهره‌ها سخن نمی‌گویند، بلکه این فضا را برای مشارکت و عرض اندام عقاید نزدیک به خود مناسب دیده و واکنش نشان داده‌اند. واقعیت این است که با وجود مشکلاتی که مناظره‌های تلویزیونی به‌خصوص در انتخابات سال‌های ۸۸ و ۹۲ داشت و عملا با اعتراض مردم و نامزدهای ریاست جمهوری به شکل و محتوای مناظره‌ها و پخش برنامه‌های تبلیغاتی از جمله تحریک به خشونت هواداران یا سانسور برنامه‌ها همراه بود، می‌توان گفت با وجود شبکه‌های اجتماعی در وضعیت فعلی صداوسیما شانس چندانی برای اثرگذاری و ادامه نقش سیاسی خود نخواهد داشت و نقش اصلی در مشارکت و اثرگذاری دموکراتیک روی شهروندان به شبکه‌های اجتماعی برخط مربوط خواهد شد.

این نکته به صورت میدانی نیز در تحقیقات علمی به اثبات رسیده است که میان حضور در شبکه‌های اجتماعی و حقوق دموکراتیک و مشارکت در سرنوشت سیاسی کشور از سوی شهروندان، رابطه مستقیم و معنی داری قابل احصا است.

تحقیقاتی که در تهران انجام شده در بین دانشجویان ایرانی نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی حضور در شبکه اجتماعی برخط فیس‌بوک و مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی همبستگی مثبت وجود دارد. تحقیقات دیگر نیز تایید کننده این نظریه است. از جمله تحقیق مشابهی که نشان داد میزان سرمایه اجتماعی نزد دانشجویان کاربر شبکه اجتماعی فیس بوک در مقایسه با دانشجویان غیر کاربر بالاتر است.

شبکه‌های اجتماعی علاوه بر آن که باعث تعامل در برابر گردش یکسویه اطلاعات می‌شوند، حضور همزمان ارتباط عمودی و توسعه تساوی بین کاربران را فراهم کرده و این حضور باعث می‌شود نقش ژورنالیسم در معادلات سیاسی یا اطلاع رسانی و تبلیغات (پروپاگاندا) کمتر از گذشته شود. شبکه‌های اجتماعی دیگر چیزی به عنوان واسطه بین روابط شهروندان و سیاستمداران باقی نمی‌گذارند و این ارتباط نزدیک، باعث مشارکت فزون‌تر شهروندان و شبکه‌وندان در تبلیغات و کمپین‌های سیاسی خواهد شد. همچنین باید توجه داشت که هزینه‌های قابل تحمل حضور در شبکه‌های اجتماعی برای افراد بسیار پایین‌تر از سایر انواع پروپاگانداست. هم هزینه‌های اقتصادی که شامل هزینه خرید تلفن همراه و اتصال به اینترنت می‌شود و هم هزینه سیاسی به طرز چشمگیری کاهش می‌یابد زیرا افراد با ساختن اکانت‌های تقلبی یا مستعار، قادر به اظهارنظر درباره مسائل سیاسی هستند بدون این که نگران هزینه آن باشند. شبکه‌های اجتماعی سرعت بسیار بالاتری در مقایسه با رسانه‌های قدیمی دارند و هیچ محدودیت و مرزی برای شبکه‌ها قابل تصور نیست.

از دید تحسین‌کنندگان شبکه‌های اجتماعی برخط، دو عنصر آزادی کامل اطلاعات و گریز از نظارت قانون و سانسور نویدی است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برخط برای عصر حاضر دارد.

در کتاب جدیدی که اخیرا با عنوان «تلاطم سیاسی: چگونه رسانه‌های اجتماعی کنش جمعی را شکل می‌دهند؟» منتشر شده، پژوهشگران دانشگاه نیوجرسی با استفاده از روش‌های محاسباتی جدید، کلان‌داده‌های رفتار سیاسی شهروندان در شبکه‌های اجتماعی برخط را تحلیل کرده که به نتایج جالب توجهی رسیده‌اند.

پژوهشگران مزبور معتقدند عمدتا در کشورهای غربی تا زمان انجام مطالعه یعنی سال ۲۰۱۳ رشد بسترهای کنشگری جمعی آنلاین، به ویژه در شبکه‌های اجتماعی برخط نظیر فیسبوک و توئیتر، امکان مشارکت‌های سیاسی میلیون‌ها نفر از مردم را در امور عمومی و سیاسی به‌خصوص در مسائل مربوط به حقوق دموکراتیک و انتخابات در سطح داده‌های کوچک و فردی فراهم کرده‌است.

آنها با روش‌های جدید مطالعات داده‌ها نشان داده‌اند انباشت مشارکت‌های کوچک مردم در مسائل دموکراتیک خود از جمله اظهارنظر درخصوص برنامه‌ها و شعارهای احزاب، کاندیداهای انتخابات و گروه‌های حامیان آنها، آثار عملی بزرگ سیاسی از جمله تعیین دولت یا احزاب غالب در پارلمان و سنا را به دنبال دارد.

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت

پرورش را در کجا باید پرورده کرد؟!

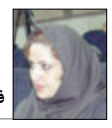

فاطمه‌مشهدی‌باقر

پس از سالیان سال اکنون دریافتیم که مدارس ما نه‌تنها گام‌های چشمگیری را در جهت پرورش نیروی جوان بر نداشته است بلکه حضوری که می‌توانست در جامعه متجلی و زایا شود به اخطار و هشدار بدل ساخت. از بزرگترین معضلات آموزش و پرورش به گفته مدیران با سابقه این مرکز، ارجح‌سازی کنکور است. فرزندان ما در میدان مسابقه بدون این که بدانند برای چه به رقابت می‌پردازند بی‌نفس به رقابت می‌افتند. رقابتی که جز آسیب برای آنان چیزی نداشته است.

نخست این که هیچ کدام از فرزندان ما در مدارس توانایی‌هایشان کشف و شناخته نمی‌شود تا پرورش یابد و دوم این که کسانی هم که در رقابت جانکاه به سکو می‌رسند با تنی نیمه جان و با نفسی به شماره، وارد کارزاری می‌شوند که از آن چیزی نمی‌دانند. جامعه ما چندیست تبدیل به کارزار شده است و همچنان، رقابت در آن حکم فرماست بجای همیاری، همکاری و هم اندیشی. از وظایف مهم آموزش و پرورش ارزیابی معضل کارزار شدن جامعه و ریشه‌یابی آن است. جامعه باید باتوجه به بحران‌ها، بزه‌ها و آسیب‌های جدی توسط نهادی که وظیفه آموزش و پرورش نسل را به عهده دارد بازنگری شود. آموزش و پرورش با دیدن توانایی‌های فرزندانی که سال به سال به هیاهوی کارزار، اضافه می‌شوند، علاوه بر ایمن کردن و تجهیز کردن آن‌ها، باید از این ورودی نیروهایی بسازد برای مرمت و ترمیم جراحت‌هایی که زخمی جدی بر پیکره جامعه است. دریغ که همچنان زخم‌ها و جراحت‌ها در جامعه نه ریشه‌یابی شده است و نه حتی از طرف مدیران درک شده است.

این که جامعه نیازمند جبران چه فقدانی است و این فقدان چگونه باید در مدارس جبران شود، هنوز مورد توجه واقع نشده است. ما همچنان آسیب می‌بینیم و همچنان آسیب خواهیم دید آن هنگام که جوانان بدون آشنایی با نقش‌های خود به عنوان شهروند، مسئول، نماینده، مدیر، همسر، مادر یا پدر در جامعه حضور می‌یابند و تنها سرافرازی آنها گرفتن رتبه قابل قبول پزشک، یا مهندس شدن است! چه بیشمار دانش آموخته‌های دانشگاه‌ها در رتبه‌های پر افتخار وارد زندگی شدند و دریافتند آن افتخار فریبی بیش نبود بلکه افتخار، میزان فهم و مسئولیت برای ادامه زندگی از سر آگاهی، احترام، فروتنی و مهر است تا رودی را از خود با زاد و رود و یا نه زاد، فقط رود در جامعه جاری سازند. این مهم هنوز دست نیافته است چرا که هنوز فرزندان ما با مهم ترین وجه وجودی خود، وجود زایا که آفرینندگی و میل به آفرینش است بیگانه‌اند.

هنر این گوهره تابناک، وجود آفرینندگی و پروردگاری انسان را زنده و جوشان می‌کند اما دریغ و درد که همچنان هنر در دستور کار مدیران و سیاست‌گزاران پایگاه پرورشی، فاقد اعتبار و اهمیت است. ما همچنان به واسطه آموزش فرزندانمان به بیگانه سازی و غریبه شدن با خودیت خودِ آن‌ها، مشغولیم. بدون در نظر داشتن توانمندی‌های فردی در مدارس، گام به گام او را از خود دور ساخته و به یک بی خودی، تبدیل کرده‌ایم و این بحران را آمار بالای اعتیاد و فساد در جوانان دختر و پسر در سنین دانش آموزی در جامعه، فریاد می‌زند.

در آماری دیگر میزان بالای طلاق‌های عاطفی و نه طلاق‌های ثبت شده است که چه بسا آسیب طلاق‌های عاطفی، خطری جدی‌تر از طلاق برای ماندگان به وجود می‌آورد. هنر ماوای درونی را موجب می‌شود و این مهارت را به دانش‌آموز می‌دهد تا بتواند خود را روایت کند، خود را بگوید و در نتیجه مهم‌ترین عنصر تعامل و امنیت جامعه؛ گفت‌وگو، که نبودش آسیبی جدیست، فرهنگ‌سازی شود.

ما هر کدام تبدیل شده‌ایم به تک گوهایی که فقط حق را به جانب خود می‌بینیم و این آسیب بزرگ سیستم آموزشی ما است که بر مونولوگ و تک گویی بنا شده است. حضور مربی در مدارس به یک پایگاه مونولوگ و حذف مهم‌ترین عنصر ارتباطی؛ دیالوگ، واداشتن دانش آموز به هر آن چه که مربی امر می‌کند. آن چه که با زایش هر جان در جهان مورد اهمیت است چرا که باید در جهت رسیدن به ارزش خود و جامعه حفظ و بارور شود؛ خلاقیت است. خلاقیت در هر فرد از گوهره‌های ارزشمند به شمار می‌آید که باعث تعالی و رشد خود و جامعه می‌شود. این گوهره در نخستین سال‌های زندگی کودک توسط آموزش به والدین، حفظ می‌شود و سپس در مدارس به شکل تخصصی با اجرای هنر بارور می‌شود. در جوامع پیشرفته روشی که باعث پیشرفتشان شده است دریافتن ارزش خلاقیت کودکان و نوجوانان و پاس داشتن آن است.

خلاقیت در افراد باعث مهارت زیستی فرد و در نتیجه تکامل می‌شود. این مهم جز از راه آموزش هنر، میسر و امکان‌پذیر نیست. با آموزش هنر و آفرینش اثر هنری می‌توان علاوه بر تقویت خلاقیت دانش‌آموز، او را به نزدیکی و انس با خود ترغیب و تشویق کرد تا ما با خودِ حقیقی فرد در جامعه مواجه شویم نه یک حضور بی خودی که در مراحل زندگی هیچ مهارتی برای دستاورد و توانایی ایمنی در برابر آسیب ندارد. حال نظری بیندازیم به جایگاه هنر در مدارس؛ همچنان نیروی دانش آموخته هنرمند در مدارس به شدت کم و تا جایی غیر قابل باور است. با وجود هزینه‌های گزاف و سنگینی که خانواده‌ها برای حضور فرزندانشان در مراکز دانشگاهی هنر پرداخت می‌کنند کمتر کسی از نیروهای متخصص، جذب آموزش و پرورش می‌شود.

این در حالی است که ما شاهد هستیم که ناظمین مدارس که در رشته‌ای به جز رشته هنر، دانش کسب کرده‌اند شوربختانه برای آموزش هنر بکار گرفته می‌شوند و حتی سایر مربی‌ها که به تدریس در دروس تخصصی خود مشغول هستند به این مهم می‌پردازند.

این که همچنان هنر را می‌توان بی‌شأن و منزلت دید که از توان هر کسی این مهم‌ترین گوهره ساخته است، سنگ بنایی که رو به واژگونی بر سر فرزندانمان است، نهاده می‌شود و ما مواجه می‌شویم با افراد بی هدف در رشته هنر و سپس معرفی این رشته مهم برای بودن از سر هیچ! در دانشگاه‌ها نیز دیده می‌شود فرزندانی که از رشته هنر ورود کرده‌اند اما شوربختانه هیچ سنخیتی با این رشته ندارند. همچنان گزارش می‌شود در مدارس دخترانه با وجود چهل دانش‌آموز در متراژ کوچک کلاس درس، از سر نبود نیروی آموزشی هنر به دانش آموزان خردسالی که مهارت استفاده از اسباب و وسایل خطرناک مانند سوزن و میل بافتنی ندارند، دوزندگی و بافندگی آموزش داده می‌شود! همچنان دیده می‌شود در مقطع دبیرستان دوره اول، دانش‌آموز از هنر چیزی جز بطالت نمی‌داند و باید در انتخاب رشته دوره دوم مقطع تحصیلی، به هنر هم بیندیشد!

همچنان نیروی بس عظیم نوجوانی و جوانی به جای پرورش با هنر برای بروز دادن و تشخص خود با سرکوب و منکوب با ساختارهای توبیخ و تنبیه در مدارس قربانی می‌شوند و ما خیل وسیعی از نیروهای افسرده را وارد اجتماع بزه و آسیب می‌کنیم. این که با وجود اساتید بزرگ هنر در دانشگاه‌ها و جهانی شدن هنر ایران زمین در دنیا همچنان مراکز آموزشی ما بدون پرداختن به درس هنر به شکل جدی و با عدم بکارگیری نیروی آموزشی متخصص به این مهم، بی‌توجه است از آسیب‌های جدی جامعه امروز ماست. فرزندان ما با این فقدان دردناک از بنیاد وجودی خودشان؛ آفرینندگی دور و دورتر می‌شوند. نکته در این جاست هنگامی که نوجوانان و جوانان، بدون داشتن مهارت، بیگانه با هنر در دسته بزهکار به بازپروری و زندان، فرستاده می‌شوند در آن مکان اقدام به آموزش هنر می‌کنند تا بتوانند با خود انس بگیرند و با خود ماوا کنند.

این تزکیه و پالایش در آموزش هنر سال‌هاست اثبات شده است که ایمنی جامعه را از بزه تضمین می‌کند. نکته مهم اینجاست که این شیوه آموزشی که کاملا باعث تزکیه فرد می‌شود از چه روست که در مدارس اجرا نمی‌شود تا علاج واقعه پیش از وقوع شود! نکته‌ای دیگر؛ آموزش موسیقی در مدارس ممنوع است اما هنرستان موسیقی در مراکز آموزش و پرورش فعال است و هنرجو می‌پذیرد از چه روست که کودک با این مناجات نوا و نغمه نمی‌تواند ماوا داشته باشد؟

نیروی با ارزش جوان را برای تولید انسان در جامعه دریابیم و با فقدان‌های موجود قربانیان ضعف مدیریتی را بیشتر نکنیم.